

## تبیینی از چیستی فرا آگاهی در فرآیند وحی

پگاه محمودی<sup>۱</sup>

ملک محمد فخر زاد<sup>۲</sup>

### چکیده

«فرا آگاهی» سهم وسیعی از پژوهش‌های موجود در علم ((فارا روانشناسی)) را در دو قرن اخیر، به خود اختصاص داده است. فرا آگاهی یا superconsciousness (12 pp, Amram, joseph 2005) زمانی رخ می دهد که چیزی بی آنکه منشأ توضیح پذیری داشته باشد، به ذهن راه می یابد و نشانه های ظاهری و فیزیکی از خود بر جای می گذارد و دست یازی به این آگاهی کیهانی درهای عظیمی از معرفت را به روی انسان بازخواهد کرد. مقاله‌ی حاضر با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی، موضوع فرا آگاهی را که زیر مجموعه‌ی علم فرا روانشناسی است از نگاه قرآن کریم به بحث و بررسی گذاشته است. بخش نخست، به مباحثی درباره‌ی آگاهی‌های عمیق و چیستی آن‌ها و انواع فرا آگاهی اختصاص دارد و بخش دوم به تطبیق برخی از آیات قرآن بر پاره‌ای از اقسام فرا آگاهی پرداخته است که بر اساس آن، می توان نتیجه گرفت که امکان و وقوع فرا آگاهی، مورد تأیید قرآن است. با توجه به اینکه فرآیند نزول وحی خود یکی از بارزترین و کاملترین مصادیق فرا آگاهی به شمار می آید و قرآن کریم خود در چنین فرآیندی پدید آمده است، نتیجه‌ی مورد نظر این نوشتار، از استحکام و قوت بیشتری برخوردار خواهد بود.

### وازگان کلیدی

ادراک، فرا آگاهی، قرآن کریم، وحی.

Email: Mahmoodi.Pegah@yahoo.com  
Email: Mmfzad@yahoo.com

<sup>۱</sup>- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه  
<sup>۲</sup>- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

## طرح مسأله

فرا آگاهی به معنی دریافت تحریکات ماورایی به وسیله‌ی گیرنده‌هایی غیر از حواس پنج گانه ظاهری است. محرکهای حسی، مجموعه‌ای از محرک‌های فیزیکی هستند که گیرنده‌های فیزیکی را در حواس پنج گانه ظاهری تحریک می‌کند و منجر به بروز ادراکات حسی می‌شوند. در مقابل، محرک‌های فوق حسی قرار دارد که مجموعه‌ای از محرک‌های متافیزیکی هستند و گیرنده‌های متافیزیکی را در ابعاد غیر فیزیکی انسان تحریک نموده، منجر به درک و دریافت فرا آگاهی می‌شوند. (فوق طبیعت، ۱۳۸۱، ص ۵۳) انسان از سه بخش جسم، روان و روح تشکیل شده است. جسم در دنیای فیزیکی زندگی می‌کند و به وسیله‌ی گیرنده‌هایی ظاهری ادراکات محیط فیزیکی را دریافت می‌کند و با آن‌ها در ارتباط است و حواس پنج گانه (بینایی، شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی) مسؤول ارتباط با محیط طبیعی هستند. هر یک از این حواس در محدوده‌ی خاصی قدرت عمل دارند و در طیف بالاتر یا پایین‌تر از این محدوده‌ی مشخص قادر به فعالیت نیستند. برای مثال فقط انواری برای چشم انسان قابل رؤیت است که در دامنه‌ی طیف مرئی رنگ‌ها (قرمز تا بنفش) باشد، یعنی امواج مادون قرمز و فرابنفش برای انسان قابل رؤیت نیست. این در حالی است که گیرنده‌های فوق حسی که در ابعاد غیر فیزیکی وجود انسان قرار دارند، قادر به دریافت محرک‌های خارج از این محدوده‌ها هستند. (باربور، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱).

در دریافت‌های فرا آگاهانه چند مقوله‌ی مهم شامل تله‌پاتی، سایکومتری، آینده‌نگری، سایکوکنسیس و روشن‌بینی مورد توجه است. این مقولات بخشی از توانایی‌های خارق‌العاده انسان است و در اصل جزو توان‌های فردی هر شخص بوده، در همه‌ی افراد امکان توسعه و پرورش آن‌ها وجود دارد. البته هر انسان آگاه باید قبل از اقدام برای توسعه‌ی این توان‌ها، هدف خود را از این کار مشخص و ترسیم نماید؛ چرا که هدایت این نیروها در مسیر الهی موجب قرب انسان به خدا می‌گردد و بهره‌گیری از آنها در امور مادی و غیر الهی موجب گمراهی و تباہی می‌شود. (روانشناسی شفا، ۱۳۸۶، ص ۵۳) چنان که گفتیم فرا آگاهی پدیده‌ای فرا روانشناسی است که فلاسفه‌ی هندو و

بودایی آن را به روشن بینی و روشن شناوی تعبیر کرده اند که جمع پدیده های خارق العاده ی روانشناسی را ادراکات ما فوق آگاهی یا فرا آگاهی می نامند که جزو اسرار آمیز ترین نیروهای ناشناخته ی انسانی است. این ادراکات سابقا برای مردم اعم از ملل شرق و غرب قابل درک نبود و آن را خصوصا در غرب به دلیل نفوذ زیاد کلیسا بر افکار مردم نیرویی شیطانی دانسته و محکوم می کردند.(اتکینسون، ۱۳۸۸، ص ۹۴) اما آنچه مسلم است این است که بر هر آنچه در جهان هستی وجود دارد شعوری حاکم است که در پشت آن نیز شعوری دیگر است. این شعور ثانویه را گاه می توان در شرایط خاص درک کرد. انسان در اطلاعات هستی غوطه ور است اما دیواری از حواس پنجگانه مانع درک و دریافت شعور پنهان در ورای اشیاء و موجودات می شود مگر آنکه انسان به این دیواره نفوذ کند. نفوذ انسان به این دیوار (حايل بين او و اطلاعات هستی) بسیار مشکل است. نحوه ی دستیابی به این اطلاعات در اصطلاح فرا آگاهی، آگاهی برتر، معرفت، ابر آگاهی و گاه الهام نیز خوانده می شود. گواهی دادن دل و ضمیر، ارتباط از راه دور، انتقال حسیات و دور احساسی در همین مقوله می گجد. (p 68, 2000, Zohar.D& Marshall)

در عصر جدید، اظهار نظر علمی پیرامون فرا آگاهی، پژوهش در شاخه هایی از روانشناسی و علوم تجربی را به خود اختصاص داده است. این پژوهش ها، از زوایای گوناگونی فرا آگاهی را موضوع مطالعات خود قرار داده اند؛ چیستی و امکان ادراکات فوق حسی، چگونگی و فرایند شکل گیری آن ها، ارتباط و نسبت آن ها با ادراکات حسی، واقع نمایی، امکان تکرار و آزمون پذیری آنها، از مهمترین مباحثی است که تا کنون مورد توجه و پژوهش اندیشمندان قرار گرفته است.

انجمن پژوهش های فراروانشناسی انگلستان که در سال ۱۸۸۲ میلادی به وسیله ی گروهی از دانشمندان سرشناس و محققان بر جسته در لندن تشکیل گردیده و انجمن پژوهش های فراروانشناسی آمریکا که در سال ۱۸۸۵ میلادی تأسیس شده است, p14, Santos, E. Severo (2006) از جمله مهمترین مراکز علمی به شمار می آیند که پژوهش های تجربی وسیعی را پیرامون انواع ادراکات فرا آگاهانه به انجام رسانده اند. در میان رؤسای انجمن پژوهش های فراروان شناسی انگلستان، سه نفر برنده ی جایزه ی

نوبل، ده عضو انجمن سلطنتی، یک نخست وزیر و جمع زیادی از فیلسفان، فیزیکدانان، روان‌شناسان و زیست‌شناسان به چشم می‌خورند چنانکه در میان رؤسای انجمن پژوهش‌های فراروان‌شناسی آمریکا، نام ویلیام جیمز، فیلسوف و روان‌شناس شهیر و پایه گذار نحسین آزمایشگاه روان‌شناسی در آمریکا دیده می‌شود. افزون بر این، دانشمندان بزرگی همچون ((لیال واتسن)) حیوان‌شناس، انسان‌شناس، روان‌شناس و باستان‌شناس ((جی. سول)) ریاضیدان ((آلیور لاج)) فیزیکدان ((یوری کامنسکی)) فیزیکدان ((جی.بی. راین)) روان‌شناس ((هننس برگر)) فیزیولوژیست و جمع دیگری از دانشمندان شهیر در نقاط مختلف جهان، در باب ادراکات فراخسی، به پژوهش‌های علمی عمیق و آزمایش‌های تجربی دقیق پرداخته و نتایج و آثار گران قیمتی را پدید آورده و عرضه نموده‌اند. (تاریخ روانشناسی، ۱۳۶۷، ص ۱۸)

توجه ویژه‌ی مراکز علمی و دانشمندان بزرگ، از گرایش‌های مختلف، به موضوع ادراکات فراآگاهانه نشانگر اهمیت جدی آن در فضای ذهن و ارتباط و تأثیر آن بر فضای زندگی آدمیان است. این اهمیت، بیش از هر چیز، به جنبه‌ی فراخسی و فوق طبیعی این گروه از ادراکات بازمی‌گردد که در حقیقت، نوعی خرق عادت در روند طبیعی شناخت‌های آدمی به شمار می‌آید. همین امر، سبب شده است که نوعی کنجدکاوی و دقت علمی ویژه نسبت به آن‌ها از سوی عموم اندیشمندان و متفکران در رشته‌های گوناگون مبدول گردد و همچنان به عنوان یک محور مهم پژوهشی به شمار آید. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش‌های علمی و آزمایش‌های تجربی از پاره‌ای از انواع فراآگاهی و قبول و تأیید امکان وقوع اینگونه دریافت‌ها از سوی بسیاری از دانشمندان، اینکه این سؤال مطرح می‌شود که نگاه وحی قرآنی به این دست از ادراکات چگونه است؟ آیا قرآن بر امکان و وقوع فراآگاهی مهر تأیید زده؟ یا اینکه امکان و وقوع آن‌ها را مردود شمرده؟ یا اینکه در خصوص آنها سکوت اختیار کرده است؟ (قرآن و روانشناسی، ۱۳۸۶، ص ۴۲) مقاله‌ی حاضر، پژوهشی است جهت دریافت و ارایه‌ی پاسخ به سؤالات فوق که با مراجعه مستند و موردی به آیات قرآن کریم و تحلیل محتوای آنها، به این موضوع خواهد پرداخت. امید است که این تلاش، به

گشایش باب جدیدی در این عرصه بیانجامد.

## تبیین موضوع

دریافت دقیق موضوع این پژوهش، در گرو آگاهی نسبت به اقسام مراتب ادراک انسان و نگاه اندیشمندان به مسأله‌ی چیستی فرا آگاهی و انواع آن است. اما پیش از آن ارایه تعریفی از آگاهی و تفاوت آن با فرا آگاهی ضروری به نظر می‌رسد. آگاهی یکی از دشوار‌ترین موضوعاتی است که فکر بشر را به خود اختصاص داده است. طی ۲۵۰۰ سال گذشته آگاهی یکی از حوزه‌های انحصاری تفکر فلسفی به شمار می‌رفته است، اما جدایی فلسفه از روانشناسی در سده‌ی ۱۹ این انحصار را از بین برداشت. نخستین معنای رایج آگاهی را در حالت ظاهری به بیداری و هوشیاری معنا کرده اند، حالتی از نظام پی‌یاخته که در آن برخلاف حالت بیهوشی و خواب انسان می‌تواند به پدیده‌ها و رخدادها توجه کند. نیز به معنای وقوف و اطلاع هم آمده است. فرایند توانایی مغز در نظام مند ساختن اطلاعات، در واقع مغز ما هنگامی که کنش دانستن را نسبت به موضوعی اعمال می‌کند و آن اطلاعات را در می‌یابد در واقع رابطه‌ای با آن موضوع برقرار می‌سازد و ذهن را در وضعیتی آشنا نسبت به موضوع قرار می‌دهد. در این حالت ذهن را نسبت به موضوع کنجدکاوی نمی‌کند و آگاهی رخ داده است. (پاپکین، ۱۳۷۹، ص ۶۳) در واقع ادراک یا در اصطلاح دریافت، عبارت است از قدرت درک اشیاء و آگاهی از موجودات و اشیاء و جهان اطراف به وسیله‌ی اندام‌های حسی و حواس پنجگانه‌ی انسانی که البته این نوع از ادراک خطاهایی دارد و بسیار محدود است. در مقابل آن نوعی دیگر از ادراک به نام فرا آگاهی وجود دارد. آگاهی فرایندی است که در آن ذهن انسان به شیوه‌ی معلوم به نتیجه می‌رسد و فرا آگاهی زمانی رخ می‌دهد که چیزی بی‌آنکه منشأ توضیح پذیری داشته باشد به ذهن انسان راه یابد. (همان، ص ۷۴) حال با این توضیح ابتدا انواع ادراک را بررسی خواهیم کرد سپس به مقوله‌ی فرا آگاهی در قرآن خواهیم پرداخت.

### ۱- نگاه اندیشمندان به مسأله‌ی ادراک

ادراک یکی از مفاهیم کلیدی است که تبیین چیستی، امکان، فرایند، ابزارها، موانع و لغزشگاههای آن بخشی از مطالعات و تلاش‌های علمی فلسفه‌بان قدیم و جدید و

همچنین بسیاری از دانشمندان حوزه‌ی روان‌شناسی را به خود اختصاص داده است. کهن‌ترین دیدگاهها در باب شناخت به نخستین دوره‌ی فلسفه یونان باز می‌گردد. در قرن پنجم قبل از میلاد، جماعتی از اهل نظر، به نام سوفیستها در آتن پدید آمد که درباره‌ی امکان کشف چیزی که واقعاً صحیح و حقیقی باشد، بی‌اندازه درشك و تردید بودند. یکی از سوفیستهای بزرگ، در این خصوص، سخن صریحی دارد که به روشنی بیانگر دیدگاه آنان در باب شناخت است. وی بر این باور بود که هیچ چیز وجود ندارد و اگر چیزی موجود باشد، هیچکس نمی‌تواند آن را بشناسد و تازه اگر هم بشناسد، این شناخت را نمی‌تواند به دیگران منتقل کند. (فروغی، ۱۳۸۷، ص ۳۲)

سقراط، افلاطون و ارسطو نیز از بزرگترین فیلسوفان عصر قدیم به شمار می‌آیند که در مقابله با تفکر سوفستایی و اثبات اصل وجود و امکان حصول شناخت واقعی برای انسان تلاش نمودند. سقراط اعتقاد راسخ داشت که آدمی، تنها بر پایه‌ی حقیقت می‌تواند عمل کند و نیل به حقیقت، فقط در گرو آن است که شناسایی قطعی و حقیقی که امکان خطأ در آن نیست، به دست آید. (هیک، ۱۳۷۲، ص ۹۵) افلاطون در این باب با وضوح بیشتری سخن گفته است. وی بر این باور بود که امور عالم، چه مادی مانند حیوان و نبات و چه معنوی مانند شجاعت و عدالت دارای دو لایه‌ی متفاوت هستند؛ یکی لایه‌ی ظاهر و دیگری لایه‌ی باطن. آنچه از ظواهر محسوسات امور عالم، به صید حواس مادی انسان درمی‌آیند را نمی‌توان علم و شناخت واقعی نامید؛ بلکه حدس و گمان، زیینده ترین نامی است که می‌توان بر آنها نهاد. آنچه علم به معنای واقعی بر آن تعلق می‌گیرد، که عبارت است از لایه‌ی پنهان امور عالم که اصل و حقیقت آنها عالم معقولات را تشکیل می‌دهند و صرفاً به وسیله‌ی عقل، درک و دریافت می‌شوند. افلاطون، نام این حقیقت پنهان را "مُثُل یا مثال" نامیده است. از رأی این گروه از فیلسوفان در باب ادراک، دو نتیجه‌ی مشخص به دست می‌آید؛ نخست اینکه: ادراک و شناسایی واقعی، برای انسان امکان پذیر است. دوم اینکه: چنین ادراکی، فقط به مدد عقل و قوه‌ی تعلق به وقوع می‌پیوندد. این دیدگاه که به مكتب اصالت عقل نیز شهرت یافته، قرنها بعد نیز توسط فیلسوفانی همچون رنه دکارت با شیوه‌ای تازه تقویت شده

است.(آرتور کستلر، ۱۳۶۳، صص ۵۷-۶۱)

از قرن هفدهم میلادی به بعد، تفکر دیگری در باب ادراک و شناسایی پدید آمد. در این دوره که می توان آن را نقطه‌ی مقابل اصالت عقل دانست. دانشمندان اروپایی کوشیدند تا تجربه‌ی حسی را به عنوان منشأ و اساس آنچه می دانیم در نظر بگیرند و شناسایی را براساس تجربه‌ی حسی بیان نمایند. این تفکر ابتدا در قرن هفدهم، در انگلستان پدید آمد و جان لاک در این زمینه بسیار تلاش کرد، تا به تبیین بیشتر این تفکر پیردازد.

آنها بر این عقیده بودند که شناسایی ما با وساطت حواس حاصل می شود و ما هیچ معلوم فطری که مستقیماً توسط عقل حاصل شده باشد نداریم.(همان، ص ۶۸)

در قرن هجدهم، با رویکرد تازه‌ای در باب ادراک و علم روبرو می شویم که با تلاشهای علمی ایمانوئل کانت به ظهور رسید. دیدگاه کانت در باب ادراک، در حقیقت تلفیقی از عناصر اصالت عقل است و اصالت تجربه. او در عین حال که موافق است، هیچ معرفتی جدا از تجربه وجود ندارد؛ اما معتقد است که ذهن، صرفاً گیرنده‌ی بدون دخل و تصرف محسوسات یا داده‌های حسی نیست؛ بلکه آنها را ضبط می نماید و فعالانه، بر طبق اصول تفسیرگر خود تنظیم می کند و به شیوه‌ی مشخصی به یکدیگر ربط می دهد. بدینسان، قالبها یا مقولات اندیشه‌ی انسان، بر مواد خام حواس، تحمیل و تطبیق می گردد

(p34,2003,Vaughan F)

برخلاف نوساناتی که در بستر زمان برای فلسفه‌ی غرب در مسئله‌ی ادراک و شناخت رخ داده، فلسفه‌ی اسلامی در این مسئله از موضع استواری برخوردار بوده است. فیلسوفان مسلمان، بدون آنکه از ارج تجارب حسی بکاهند و اهمیت به کارگیری روش تجربی را در علوم طبیعی انکار کنند، همواره بر اصالت عقل در حل مسائل متافیزیکی و استفاده از متد تعقیلی، در حل مسائل فلسفی تأکید کرده‌اند.(نصری، ۱۳۷۹، ص ۴۰)

## ۲- اقسام و یا مراتب ادراکات انسان:

اندیشمندان قدیم و جدید، ادراکات انسان را به لحاظ مراتب وجودی، به اقسام زیر

تقسیم کرده‌اند:

**۱-۲ ادراک حسی؛** که عبارت است از صورتهایی از اشیاء مادی که با مواجهه و ارتباط مستقیم ذهن با خارج، با به کار افتدن یکی از حواس پنجگانه یا بیشتر در ذهن منعکس می‌شود. در این نوع از ادراک، سه عامل اصلی حضور دارند که عبارتند از: ۱- مُدرِّک ۲- شیئی خارجی یا مُدرِّک و ۳- حس یا عمل حس کردن و احساس که در قوه ادراک تاثیر می‌گذارد.

**۲-۲ ادراک خیالی؛** که عبارت است از صورت باقی مانده در خیال یا حافظه که پس از آنکه صورت حسی محو شد، آن صورت باقی می‌ماند و انسان به وسیله آن قادر می‌شود شی خارجی را تصور نماید.

**۳-۲ ادراک وهمی؛** که عبارت است از درک معانی غیرمحسوس، مانند درک محبت یا تنفر نسبت به کسی. در ادراک وهمی، برخلاف ادراک حسی، هیچ گونه صورت محسوسی در میان نیست؛ ضمن آنکه در اینگونه ادراک، تشخض هست؛ به این معنا که ادراک وهمی، ویژگی‌های امور جزئی را دارد و ممکن است تغییر پیدا کند؛ یعنی درک تنفر نسبت به فردی، به درک علاقه نسبت به او تبدیل شود و یا شدت و ضعف پیدا کند.

**۴-۲ ادراک عقلی؛** که عبارت است از درک و دریافت معانی کلی قابل انطباق بر افراد نامحدود، پس از ادراک صور جزئی محسوس. در این نوع ادراک، ذهن انسان پس از ادراک چند صورت جزئی و تجزیه و تحلیل مجموعه صفات اختصاصی و مشترک آنها، قادر می‌شود که براساس صفات مشترک بین همه افراد، یک معنای کلی بسازد که قابل انطباق بر افراد نامحدود باشد.

**۵-۲ ادراک تجربی؛** عبارت است از مجموعه‌ی شناخت هایی که با همکاری حس و عقل حاصل می‌شوند؛ بدین صورت که ابتدا حس، چیزهایی را ادراک می‌کند و آنگاه عقل انسان، با تحلیل، تعمیم آنها، به ادراکات جدیدی دست می‌یابد. قوانین علمی یعنی علوم تجربی، از این راه به دست می‌آید. (ابن سينا، ۱۳۸۴، ص ۷)

**۳- نیروهای فوق حسی، فرا آگاهی و انواع آن:**  
چنان که گفتیم افرون بر دریافتها حسی، در دو قرن اخیر، نوع جدیدی از ادراک

مطرح شده است که ذهن بسیاری از اندیشمندان حوزه های مختلف علمی را به خود معطوف کرده است. در این نوع از دریافت، اگر چه همانند ادراک حسی، پدیده ای حسی و منطبق با فضای مادی رخ می نماید، اما تفاوت اصلی آن با ادراک ظاهری در این است که در پدید آمدن آن، هیچ یک از چارچوبهای مادی، از قبیل حواس، دستگاهها و مکانیسم های طبیعی شناخته شده دخالت ندارند و آن را فرا آگاهی می نامیم. فرا آگاهی یا واحد عمیق هوشیاری آن چیزی است که از طریق یک سیستم بازسازی یا رله ای عمیق عاطفی تمامی فعالیت های کالبدی و محیطی انسان را هدایت می کند و دستیابی به آن دریچه ای از شعور کیهانی را برای او به ارمغان می آورد.

فرا آگاهی یا فرا اندیشه ((superconsciousness) (transcendental)) یا مفاهیمی چون خدا، روح، فرشتگان، ابدیت، از لیت و... را در بر می گیرد. این نوع ادراک یا ادراک شهودی به اشراق مخصوص می رسد. ادراک شهودی از پرده ای عبور می کند که افکار و تخیلات و احساسات را تصفیه می کند. ادراک شهودی پس از عبور ازین پرده به بافت تجربه ای بدون شکل یا صورت می رسد؛ یعنی تجربه ای از هستی که هنوز شکل خاصی بدان نداده است. ادراک فراحسی یا کشف و شهود فرا آگاهانه حالتی از آگاهی بدون شکل است که فاصله بین عالم و معلوم را برابر می دارد و به دو گانگی در عالم ماده پایان می یابد. بنابر این می توان فرا آگاهی را نوعی ارتقای کیفی آگاهی دانست.

(p 105, 2004, Wiggles worth)

این نوع از ادراک، دریان دانشمندان به کسب اطلاع، آگاهی و شناخت از یک شی یا رویداد، بدون دخالت حواس عادی بشری خارج از چارچوبها و مکانیسم های طبیعی است. در دریافتهای حسی، از زمان، مکان، دستگاه های حسی و ابزارهای فیزیکی و محرکهای بیرونی، استفاده می شود. اما فرا آگاهی پاسخ به محرکهای بیرونی و متافیزیکی است بدون هیچگونه تماس حسی شناخته شده.

### ۳-۳ مهمترین انواع فرا آگاهی و دریافتهای فوق حسی:

۳-۱-۱ تله پاتی: تله پاتی از لحاظ لغوی به معنی ((آنچه از دور احساس می شود)) است و در معنی مصطلح، ایجاد ارتباط از طریق افکار و بدون استفاده از ابزار و حواس

پنج گانه و کلام است. تله پاتی در معنی فراروانشناسی عبارت از استعداد و قدرت ارسال پیام یا تصویر ذهنی به دیگران بدون استفاده از حواس معمولی است. در زمانهای بسیار دور بین انسانها تله پاتی به عنوان یک ابزار معمول در ایجاد ارتباط بوده، ولی به تدریج به دست فراموشی سپرده شده است. انسانهای عصر جدید هر چند که بالقوه دارای این استعدادند ولی قادر به استفاده کردن از آن نیستند. دانشمندان اثبات کرده‌اند که تله پاتی، بین برخی جانوران و انواعی از گیاهان نیز وجود دارد. تله پاتی انتقال فکر از شخصی به شخص دیگر است، بدون وساطت هر نوع وسیله‌ی ارتباط حسی شناخته شده. برخی نیز این پدیده را اینگونه تعریف کرده‌اند: درک اندیشه‌ها و حالات ذهنی؛ مثلاً درک هیجانهای فردی به طریق فرا طبیعی.

**۲-۱-۳ سایکومتری یا روان نگری؛** به معنی توانایی تشخیص و تعییر روان اشیاء است. فراروانشناسان اعتقاد دارند که اشیا و موجودات زنده در طی سالهای حیات خود، اطلاعاتی را در هاله‌ی نورانی خود ذخیره می‌کنند که از طریق سایکومتری می‌توان به این اطلاعات دست یافت. این اطلاعات به دو دسته موروثی و اکتسابی تقسیم می‌شوند، اطلاعات موروثی در هاله‌ی اشیاء مربوط به قبل از مقارنست با انسان است و اطلاعات اکتسابی در حین مجاورت با انسان به هاله‌ی اشیا منتقل می‌گردد.

**۳-۱-۳- غیب بینی؛** عبارت است از ادراک اشیا یا رویدادهایی که حواس شناخته شده را تحریک نمی‌کند یا دیدن از ورای ماده، غیب بینی را به روشن بینی و راز بینی نیز تعییر کرده‌اند.

**۴-۱-۳ پیش گویی؛** یا آینده نگری شامل کسب اطلاعات و اخبار در مورد آینده است. آینده نگری نسبت به سایر مقولات مشابه، بیشتر با اوهام و خرافات آمیخته شده است، ولی از دید برخی دانشمندان فراروانشناسی و متافیزیکین‌ها یک واقعیت علمی است. مدارک بسیاری نیز جهت اثبات تجربی این مقوله موجود است. البته شکی در این نیست که خداوند علیم برخی از اطلاعات را که صلاح بداند از آینده و یا از عالم غیب به دل بندگان صالح خود الهام می‌کند. به هر ترتیب پیش گویی، غیب گویی و یا پیش آگاهی عبارت است از ادراک رویدادی در آینده که از طریق هیچ فرآیند استنتاجی شناخته

شده، قابل پیش بینی نباشد. این پدیده های خارق العاده در حال حاضر با پدیده های فیزیکی، زیست شناختی و روانشناسی حاکم تبیین نمی شوند. پدیده های فوق عادی ناشی از فرا آگاهی را می توان در کل به دو دسته تقیم کرد: ۱- دسته اول پدیده های فرا آگاهانه ای ذهنی ۲- دسته ای دوم بازتاب عینی و ملموس آنها که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

**۱-۱-۳ جنبش فرادوانی؛** یا سایکوکنسیس عبارت است از حرکات اجسام در اثر استفاده از نیروی روحی و ذهنی، تله کنسیس به معنی حرکت اشیا از فاصله‌ی دور و بدون دخالت نیروهای فیزیکی. این پدیده هر چند عملی است ولی بسیار مشکل است و به تمرینات فراوان نیاز دارد. این پدیده، اثرگذاری بر رویدادهای فیزیکی است، از طریق ذهن و بدون دخالت نیروهای فیزیکی تسخیر و تصرف در اشیاء، با تمرکز فکر و نیروی روانی، بدون دخالت دست و قوا از این پدیده، به دور جنبانی روانی نیز تعبیر کرده اند.

**۱-۱-۴ الهام؛** در لغت به معنای القای مطلبی در نفس و جان است. به عبارتی الهام القای معانی و حقایق در قلب کسی است از عالم غیب به صورت خواب و رویا یا شنیدن صدا ... تفاوت اساسی میان وحی و الهام در این نکته است که پیامبر فرشته ای را که واسطه در وحی است هنگام القای وحی به رؤیت بصری مشاهده می کند، ولی در الهام فرد تنها القای معانی را در دل حس می کند.

**۱-۱-۵ رؤیا صادقه؛** خوابی است که با حوادث خارج از وجود ما و حقایق عالم هستی، مرتبط بوده و مستند به آنهاست. در این نوع خواب، انسان از عالم حواس ظاهری گذشته و با توجه به هم سنتی اش با عالم فرا آگاهی وقایع را قبل از رخداد در عالم خواب می بیند. (لیال واتسن، ۱۳۸۱، صص ۲۹-۳۶)

#### دریافتهای حسی انسانی در قرآن:

واژه هایی که در قرآن کریم درباره انواع ادراکات حسی و ظاهری انسانی آمده، بسیار است و چه بسا تا یست لفظ را شامل می شود؛ واژه هایی مانند: ظن، حسبان، شعور، ذکر، عرفان، فهم، فقه، درایت، یقین، فکر، رأی، زعم، حکمت، عقل، و نیز کلماتی نظیر فتوی و بصیرت که در زیر به برخی از آنها می پردازیم:

ظن: به معنای تصدیقی است که به صد در صد نرسیده است، زیرا که اگر به صد در صد برسد جزم و قطع می‌شود.

حسبان: به معنای ظن است، با این تفاوت که کلمه حسبان در مورد ظن کاربردی استعاری دارد، مانند کلمه ((عد به معنای شمردن)) از آنجا که می‌دانیم لفظ حساب کردن و شمردن، در اصل به چه معناست، اما این دو کلمه را در مورد احتمال راجح نیز استعمال می‌کیم و می‌گوییم: فلازی را از شجاعان می‌دانستم یا از دلاوران به حساب می‌آوردم، منظور این است که او را در هنگام بر شمردن شجاعان، ملحق به آنان می‌دانم.

شعور: یا همان ادراک دقیق در اصل به معنای مو است. ادراک دقیق را از آنجا که مانند مو باریک است، شعور خوانده‌اند و مورد استعمال این کلمه محسوسات است، نه معقولات و به همین جهت حواس ظاهری را مشاعر می‌گویند. ذکر: پیش کشیدن صورت‌هایی است که از قبل در ذهن وجود داشته و نیز حاضر ساختن چیزی در ذهن بعد از آنکه از نظر و فکر غایب بوده است.

عرفان و معرفت: ترسیم صورتی از پدیده‌ها در ذهن و تطبیق آن با آنچه از قبل در ذهن پنهان بوده است و تشخیص اینکه همان است یا غیر آن، بدین جهت است که گفته‌اند معرفت عبارت است از ادراک بعد از علم قبلی.

فهم: به معنای آن است که ذهن آدمی در برخورد با پدیده‌های خارج به نوعی عکس العمل نشان داده و آن صورت را در خود نقش کند.

فقه: به معنای پذیرش صورت ذهنی یا همان فهم است. (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ص ۷۱)

درایت: دقت در درک صورت‌های ذهنی جهت اشراف بر خصوصیات و اسرار نهفته آن، به همین جهت، این کلمه در مقام بزرگداشت و تعظیم به کار می‌رود، چنان که در آیات شریفه «الْحَقَّةُ مَا الْحَقَّةُ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْحَقَّةُ» (الحقّة/۲) و آیات «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (قدر/۲).

یقین: عبارت است از اینکه درک ذهنی چنان قوت و شدت یابد که قابل سستی و زوال نباشد.

رأی: به معنای تصدیقی است که از فکر و تجدید نظر در مطالب حاضر در ذهن

پدید می آید، در علوم عملی از باید ها و نباید ها بحث می کند.(همان) با روشن شدن مباحث مقدماتی، بخش دوم این مقاله به تبیین دیدگاه قرآن کریم در باب دریافتهای فوق حسی و فرا آگاهی اختصاص یافته است. کاوش و تحقیق در قرآن، این نتیجه را در پی دارد که هیچ یک از آیات این کتاب آسمانی، به صورت صریح، به بیان چیستی، امکان و یا انواع فرا آگاهی نپرداخته است. با این وجود، برخی از آیات قرآن، به صورت آشکار، از حوادث و پدیده هایی سخن به میان آورده است که انطباق آنها بر پاره ای از انواع فرا آگاهی، امکان پذیر است.

### بازتاب فرا آگاهی در قرآن:

#### ۱- اندیشه خوانی:

اندیشه خوانی یا ((تله پاتی Telepathy )) از گونه های فرا آگاهی است (اتکینسون، ۱۳۸۸، ۸۱) که به موجب آن انتقال مستقیم اندیشه از یک فرد به فرد دیگر مبنای ادراک تلقی می شود.

نمونه ای از این پدیده را می توان در آیات قرآن کریم، در بیان داستان حضرت یوسف یافت. بر اساس آیات ، هنگامی که برادران یوسف به دربار عزیز مصر رفتند و یوسف را شناختند، از گذشته‌ی خود اظهار پشیمانی کردند. یوسف پس از آنکه آنان را به بخشش الهی امید داد، چنین گفت. **أَدْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوَّةُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَاءِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ** ((یوسف ۹۳)) یعنی پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیاندازید تا بینا شود و همراه با همه‌ی نزدیکان خود نزد من بیایید، برادران، پیراهن را گرفته و به سوی کنعان راه افتادند تا خبر زنده بودن یوسف را به پدرشان بشارت دهند پس از راه افتادن کاروان از مصر، حضرت یعقوب که در کنعان به سر می برد و از آنچه در مصر بین برادران رخ داده بی خبر بود، بوی یوسف را استشمام کرد و این مطلب را به اطرافیان اعلام خبر داد (( وَلَمَّا فَصَلَّتِ الْعِيْرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونَ ))((همان ۹۴)) هنگامی که کاروان از سرزمین مصر جدا شد، پدرشان یعقوب گفت: ((من بوی یوسف را احساس می کنم، اگر مرا به نادانی و کم عقلی نسبت ندهید)) این سخن یعقوب برای اطرافیان وی چنان اعجاب انگیز بود که آنان به صورت

جدی آن را منکر شدند ((قَالُوا تَالِلَهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالٍ كَّلِيلٍ الْقَدِيمِ)) (همان ۹۵) آنان گفتند: به خدا قسم تو در همان گمراهی سابقت هستی. با توجه به اینکه بین کنعان محل اقامت حضرت یعقوب و مصر محل اقامت حضرت یوسف با امکانات آن روز، فاصله‌ی زیادی بوده است، استشمام بوی پیراهن یوسف توسط یعقوب، یقیناً با فرایندهای مادی و در قالب دریافتهای حسی قابل تحلیل نبوده، بلکه یک پدیده‌ی فرا آگاهانه به شمار می‌آید. قرآن، این پدیده‌ی خارق العاده را به عنوان معجزه‌ی یعقوب یا یوسف مطرح نکرده است. بنابراین تله پاتی نوعی انتقال فکر از نقاط دوردست است و یک مسئله‌ی مسلم علمی است، و در میان افرادی که پیوند نزدیک با یکدیگر دارند، و یا از قدرت روحی فوق العاده برخوردارند، برقرار می‌شود... در این داستان نیز پیوند روحی بسیار شدید یعقوب با یوسف و عظمت روح او می‌تواند سبب شده باشد که یعقوب (ع) از فاصله‌ی دور چنین ادراکی داشته باشد .. البته برخی از مفسران، این پدیده‌ی خارق العاده را معجزه‌ی یعقوب شمرده اند که جای تامل دارد.

## ۲- غیب بینی:

یکی از انواع ادراکهای فرا آگاهانه است که طبق آن ادعا می‌شود ادراک کتنده می‌تواند محركی را که اثری بر اندام‌های حسی وی یا فرد دیگر دارد تشخیص دهد.

(P85, 2004, Nasel) درباره‌ی حضرت مریم ((س)) گزارش‌های فراوانی در آیات وحی دیده می‌شود که حاکی از رخداد پدیده‌های فراتطبیعی بسیاری در زندگی آن حضرت است. برخی از این پدیده‌ها قابل انطباق بر پدیده غیب بینی است. یکی از این پدیده‌ها، نازل شدن فرشته‌ی الهی بر او، تمثیل آن در نگاه مریم ((س)) به صورت انسان و مکالمه‌ای است که میان آن دو انجام گرفته است. در این رویداد فراتطبیعی، رازها و حقایقی بر مریم ((س)) کشف می‌شود که تحلیل آنها هرگز از طریق طبیعی امکان پذیر نیست. قرآن کریم این رخداد را اینگونه گزارش می‌کند: وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذْ أَنْتَذَتَ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا \* فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا (مریم آیات ۲۱-۱۶) و در این کتاب، مریم را یاد کن، آن هنگامی که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه‌ی شرقی - بیت المقدس - قرار گرفت و

میان خود و آنان حجابی افکند تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد، در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص بر میریم ظاهر شد. مریم سخت ترسید و گفت: از شر تو به خدای رحمان پناه می برم، اگر پرهیزگاری! گفت: من فرستاده‌ی پروردگار توأم؛ آمده‌ام تا پسری پاکیزه به تو بیخشم. مریم گفت: چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟ در حالی که تا کنون انسانی با من تماس نداشته و زن آلدۀ ای هم نبوده‌ام؟ گفت: پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است. ما او را می آفرینیم، تا قدرت خویش را آشکار سازیم و او را برای مردم نشان هایی قرار دهیم و رحمتی باشد از سوی ما و این امری است پایان یافته که بر مریم نازل شده است، بر اساس نظر بیشتر مفسران، مراد از واژه‌ی روح که بر مریم نازل شده است. فرشته بزرگ خداوند است که در قالب انسان قابل رویت، بر مریم ((س)) نازل شد. از آیات بالا، چندین مطلب به دست می آید که در تأیید پدیده‌ی غیب بینی حائز اهمیت است؛ نخست اینکه حضرت مریم فراتر از فرآیندهای زمینی و مادی، قادر به دیدن روح الهی، فرشته یا جبرئیل می گردد؛ دوم اینکه میان مریم و روح الهی، مکالمه‌ای از جنس مکالمه‌های قابل درک برای نوع انسان صورت می گیرد؛ سوم اینکه به دنبال این مکالمه، مریم به باردار شدن به فرزند پسری آگاه می شود و چهارم اینکه مریم از آینده‌ی فرزندش که نشانه و رحمتی الهی برای آدمیان است، با خبر می گردد.

قرآن کریم، در بیان حوادث پیش آمده در زندگی موسی نیز به واقعه‌ای تصریح می نماید که می توان آن را مؤیدی بر پدیده‌ی غیب بینی به شمار آورد. آنگاه که موسی و دوستش در جستجوی مجمع البحرين بودند به فردی برخورد نمودند که از ناحیه‌ی خداوند به دانش فراوانی نایل آمده بود ((کهف / ۶۵)) موسی از او خواست تا اجازه دهد او را همراهی کند و از خرمن دانش او خوش‌ای برچیند ((همان، ۶۶)) واکنش او در پاسخ به درخواست موسی، چنین بود قالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِعَ مَعِيَ صَبْرًا گفت: تو هر گز نمی توانی با من شکیبایی کنی ((همان، ۶۷))، وقایع بعدی نشان داد که آنچه او از ورای غیب در موسی دیده بود، به همان صورت به وقوع پیوست و باعث جدایی او از موسی شد((همان، ۷۱ تا ۷۸))

### ۳- الهام و آینده بینی:

الهام عبارت است از در دل افکنندن، در دل خطور کردن و یا دریافت اندیشه یا خبر و یا حقیقتی به صورت مرموز و نهانی، بدون استفاده از ابزارها و فرایندهای متعارف مادی است.(طاطبایی، ۱۴۱۴ هـق، ص ۷۱۸) آیات متعددی از قرآن این پدیده را مورد تأیید قرار داده اند. قرآن در خصوص الهام به حواریون حضرت عیسی چنین می گوید وَ إِذْ أُوحِيَتُ إِلَى الْحَوَارِيْنَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَّا وَ اشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ((مائده / ۱۱)) زمانی که به حواریون الهام کردم که بر من و فرستاده‌ی من ایمان بیاورید؛ آنها گفتند ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانیم.

با توجه به اینکه حواریون، پیامبر نبوده، و باید به رسالت و نبوت حضرت عیسی ایمان می آورندند به همین سبب مفسران واژه وحی در این آیه را به الهام در قلب معنی کرده اند که با وحی اصطلاحی بر پیامبران متفاوت است.

قرآن کریم، در داستان حضرت موسی نیز به صراحة نکته ای را متذکرمی شود که قابل انطباق بر پدیده‌ی آینده بینی در قالب الهام است. براساس آیات وحی، پس از تولد موسی نگرانی و دلهره‌ی شدیدی از گرفتار آمدن وی دردست فرعونیان و قتل او، در دل مادرش پدید آمد. به دنبال این نگرانی، خداوند به وسیله‌ی نوعی القاء رازناک («الهام») راه برون رفتی را پیش روی او گشود و وی را از آینده‌ی فرزندش موسی با خبر ساخت. وَ أَوْحِيَنَا إِلَى أُمٌّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتَ عَلَيْهِ فَالْقِيَهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَخْرَنِي إِنَّا رَادُوْهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ((قصص / ۷)) ما به مادر موسی الهام کردیم که او را شیر ده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا بیفکن، و نترس و غمگین مباش او را به تو باز می گردانیم و او را از رسولان قرار می دهیم. واژه‌ی وحی در آیه‌ی بالا، به معنی وحی اصطلاحی که بر پیامبران نازل می شده، نیست؛ بلکه به معنی الهام و تفہیم مرموزی است که خداوند به دلهای پاک بندگان صالحش القا می کند. با همین تفہیم مرموز، مادر موسی نه فقط راهی برای حفاظت از جان فرزندش به دست آورد که پیشاپیش از بازگشت موسی به دامان خویش و رسالت آینده‌ی وی نیز آگاه شد. حوادث بعدی به صورت کامل، درستی و حقیقت این آگاهی مرموز را

مکشوف ساخت.

قرآن، با صراحة، از نوعی القا منفی نیز سخن می‌گوید که توسط شیاطین به دوستان خود القا می‌شود. **إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوْحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ** ((اعام / ۱۲۱)) و شیاطین به دوستان خود مطالبی القاء می‌کنند تا با شما به مجادله برخیزند. قرآن، در جای دیگر نیز از القاء منفی برخی از شیاطین انسی و جنی نسبت به برخی دیگر از خودشان یاد می‌کند. ((همان / ۱۱۲)).

#### ۴- جنبش فرا روانی:

اثرگذاری بر رویدادهای فیزیکی از طریق ذهن و بدون دخالت نیروهای فیزیکی شناخته شده (مثلًا، اراده کردن به اینکه در ریختن تاس شماره‌ی خاصی بیاید یا جا به جا کردن گلدان با نگاه کردن به آن). (Bruce, 1999, p 86) قرآن کریم، نمونه‌ی روشنی از این پدیده را در داستان مواجهه‌ی حضرت سلیمان با ملکه‌ی سباء آورده است. براساس آیات قرآن، پس از آنکه سلیمان، ملکه‌ی سباء را به ایمان و تسلیم پروردگار فراخواند و وی با فرستادن هدایایی از پذیرش امر خداوند سرباز زد، سلیمان با رد هدایا، او و پیروانش را به برخورد قهری تهدید کرد. پس از آنکه فرستادگان ملکه‌ی سباء گزارشی از سفر خود و دیدار سلیمان به او دادند، وی و جمعی از بزرگان قومش، تصمیم گرفتند که به سوی سلیمان بیایند و از نزدیک وضعیت مُلک، قدرت و آین او را مشاهده نموده و از این طریق حقانیت و یا بطلان ادعای او را بررسی نمایند. سلیمان پس از آگاهی از این خبر تصمیم گرفت در حالی که آنان در راهند، بخشی از قدرت الهی خود را به نمایش گذاشته تا واقعیت اعجاز و حقانیت آین خود را نزد آنان اثبات کند و آنان را در مسیر بندگی و تسلیم امر خداوند باری نماید؛ و قالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ((نمل / ۳۸)) سلیمان گفت: ای گروه بزرگان! کدام یک از شما می‌توانید تخت او را پیش از آن که خودشان نزد من بیایند و تسلیم شوند، برای من بیاورد، در پاسخ سلیمان، عفریتی از جنیان گفت: آنا آتیک به قبیل آن تَقْوَمَ مِنْ مَقَامِكَ من آن را می‌آورم پیش از آنکه از جایت برخیزی ((همان، ۳۹)) پاسخ به ظاهر برای سلیمان مقبول نیفتاد، از این روفردی که در آن مجلس حضور داشت و از ویژگی‌های خاصی

برخوردار بود در خواست سلیمان را اجابت نمود قال الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ((همان ۴۰)) کسی که دانشی از کتاب داشت، ((و بنا بر نظر مفسران انسان بوده است)) گفت: پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد. با خاتمه یافتن سخن وی در قالب همین جمله و بدون هیچ گونه فاصله‌ی زمانی، تخت ملکه‌ی سپا نزد سلیمان قرار گرفت، یعنی در فاصله زمانی کمتر از یک چشم بر هم زدن قَلَمًا رَآهُ مُسْتَقِرًا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّیِ .((همان)) و هنگامی که سلیمان، تخت را نزد خود ثابت و پا بر جا دید، گفت: این فضل پروردگار من است. بر اساس آیات یاد شده، انسانی که مقداری از علم کتاب بهره مند بود بدون استفاده از هر گونه وسیله و ابزار مادی و فراتر از معادلات متعارف تجربی، صرفاً در یک لحظه زمانی، توانسته است تخت سلطنتی ملکه سپا را احضار کند؛ لحن آیات یاد شده در خصوص چنین واقعه‌ای، کاملاً مثبت و تأییدآمیز است؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد چنین پدیده‌ای برای آدمیان، در نگاه قرآن، امکان پذیر است.

## ۵ - رؤیای صادقه و مکافته:

چنان که ذکر شد رؤیای صادقه این است که انسان در حالت خواب که مجازی ادراکات حسی او، بسته است بر برخی از اسرار و یا بریک سلسله از وقایع گذشته، حال و یا آینده، به درستی آگاه شود. این پدیده‌ی مورد تأیید قرآن کریم است و به موارد متعددی از آن، در آیات وحی تصریح شده است. از جمله‌ی این موارد، رؤیای حضرت یوسف است که آن را برای پدرش یعقوب اینگونه نقل می‌کند یا أَبْتَإِنِي رَأَيْتُ أَحَدًا عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ((یوسف/۴)) پدرم من در خواب دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه در برابرم سجده می‌کنند. یعقوب از یوسف می‌خواهد که خواب خود را برای برادرانش باز گو نکند. ((همان، ۵)) این رؤیا پس از فراز و نشیب‌های فراوانی که طی چندین سال برای یوسف و برادرانش و حضرت یعقوب پدید می‌آید، به حقیقت می‌پیوندد و اینگونه تعبیر می‌شود و رَفَعَ أَبْوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَ قَالَ يَا أَبْتَهُمْ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقَّ ((همان، ۱۰۰)) پدر و مادر خود را بر تخت نشاند همگی به خاطر او به سجده افتادند؛

گفت: ای پدر این تعبیر خوابی است که قبلًا دیدم، پروردگارم آن را حق قرار داد.  
در سوره‌ی یوسف، به دو مورد رؤیای صادقه دیگر نیز تصریح شده است؛ یکی  
رؤیای صادقه‌ی دو زندانی است که با یوسف در زندان به سر می‌بردند ((همان، ۳۶))  
و دیگری خواب عزیز مصر است ((همان، ۴۳)).

آیات دیگری نیز به مواردی از رؤیاهای صادقه اشاره دارد؛ مانند رویای پیامبر اسلام  
((ص)) ((فتح/۲۷)) و رؤیای حضرت ابراهیم ((ع)) ((صفات/۱۰۵)).

افزون بر موارد یاد شده فرآیند نزول وحی نیز خود مصدق روشی از فرا آگاهی به  
شمار می‌آید. نزول و دریافت وحی به هیچ وجه در یک فرآیند عادی مانند آنچه در  
تعلیم و تعلم میان آدمیان صورت می‌پذیرد، انجام نشده، بلکه به صورت کاملاً متمایز و  
در فرآیندی خاص تحقق یافته است. در این فرآیند نه زبان و دهان از ناحیه‌ی فرستنده،  
یعنی خداوند و نه گوش و چشم از ناحیه‌ی گیرنده یعنی پیامبران و نه زمان، هیچ‌کدام  
مطرح نیست؛ از این رو می‌توان فرآیند دریافت وحی را یکی از کاملترین مصادیق فرا  
آگاهی به شمار آورد.

### تحلیل

فرا آگاهی دریافت آگاهی‌های عمیق از زوایای ناشناخته‌ی وجود آدمی است،  
شناخت گنج‌های درون، استعدادهای ذاتی و اسرار جهان درونی انسان. بی‌شک شناخت  
نیروهای عمیق روحی که خداوند متعال در وجود تک تک ما انسانها تعییه کرده است در  
جهت تعادل بین ساختار زندگی ظاهری و جسمانی با نیروهای روحانی و سعادت و  
بهروزی انسان بسیار راه گشاست. ازین دیدگاه معرفت نسبت به انسان راهی است به سمت  
اقیانوس بیکران روح. بهترین راه شناخت حقیقت وجودی خودمان و اشیاء و دنیای اطراف  
دربیافته‌ای فوق حسی ماست که از طریق آن به درک عمیقتری از آگاهی و مکاشفه و  
شناخت عالم هستی خواهیم رسید. معرفت شهودی که از راه بیدار ساختن نیروهای عمیق  
روحی در ما حاصل می‌شود، شاید با کلمات قابل بیان نباشد، اما تجربیات زندگی انسانهای  
صالح و مردان خدا و اهل رازی است که شعور و درک و دریافتشان از آگاهی‌های  
سطحی به سمت ماورای زندگی عادی بشری کشانده شده است و نمونه‌های بسیاری از

آن تحت عنوان کرامت در زندگی عارفان و بزرگان قابل مشاهده است.

از سود دیگر آیات یاد شده، درخصوص فراآگاهی تایید و تاکید می نماید که ظرفیت و توان ذاتی انسان، به گونه ای است که قادر است تحت شرایطی خاص، فراتر از مکانیسم های مادی و چارچوبهای متعارف فیزیکی، به شناخت های بزرگی دست یابد؛ بر وقایعی از گذشته، حال و یا آینده آگاه شود و به اموری خارق العاده اقدام کند. با توجه به این که در جهان بینی قرآن، جهان، از دو لایه‌ی ((ظاهر = مُلک)) و ((باطن = ملکوت، غیب، پنهان))؛ تشکیل گردیده ((انعام / ۳۷؛ هود / ۱۲۳؛ مائده / ۱۲۰؛ یس / ۸۳))، می توان چنین نتیجه گرفت که ظرفیت و توان ذاتی انسان، تحت شرایطی چنان توسعه و فعلیت می یابد که از مرزهای مادی جهان عبور کرده و بر بخشهايی از غیب، احاطه پیدا می کند؛ این احاطه به وی این امکان رامی دهد که نیروهای نامحسوس جهان را همانند عوامل محسوس به خدمت بگیرد و فراتر از معادلات مادی اقدام نماید. درون نگری، مشاهده و نظارت بر اعمال اگر همراه با شناخت خود به عنوان سر آغاز شناخت جهان باشد، انسان می تواند به زوایای پنهان اشیاء و خود پی ببرد.

اما در پاسخ به این سوال که از نظر قرآن کریم، تحت چه شرایطی ظرفیت انسان به چنین توسعه و فعلیتی می رسد که بتواند انرژی های فرماده را در ک و دریافت کند، باید گفت از آیات یادشده به دست می آید که این فعلیت، حداقل به دو صورت امکان پذیر می گردد. الف: بندگی خدا و متصل شدن انسان به منبع علم خداوند. چنان که داستان زندگی حضرت مریم ((س))، الهام به مادر حضرت موسی ((ع))، پیشگویی حضرت یوسف ((ع)) و مواردی ازین دست... لحن روشن آیات در اینگونه موارد از این قرار است که افراد یاد شده در آیات، ابتدا در مسیر بندگی خداوند گام برداشته و تلاش خالصانه کرده، آنگاه مورد لطف خداوند قرار گرفته و به دنبال آن، از فراآگاهی و توان ویژه ای برخوردار شده اند. ب: راه دیگر، اتصال به منابع شیطانی است. قرآن آنجا که از سحر و جادو در میان قوم یهود یاد می کند به صراحة اعلام می دارد که آنان در انجام سحر امور خارق العاده، از تعالیم شیاطین بهره می برند مبنای چنین اتصال و توانایی در نگاه اندیشمندان دینی انجام برخی ریاضت های نامشروع است ((بقره / ۱۰۲)) و نیز در

سوره‌ی فلق این نکته را متذکر می‌شود که از شر شیاطین و نیروهای آنان به خداوند پناه ببرید تا شر آنان کوتاه گردد و از ناحیه‌ی آنان ضرری متوجه شما نگردد؛ وَ مِن شَرُّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (فلق/۵).

### نتیجه‌گیری

با اینکه بحث از ادراکات انسان، از قدیمی ترین مباحث فلسفی به شمار می‌آید، اما بحث از ادراکات فراحسی [تحت همین عنوان]، از سابقه‌ی زیادی در میان دانشمندان حوزه‌های فلسفه و روان‌شناسی برخوردار نیست. آیات قرآن کریم، هیچ یک با صراحة از ادراکات فراحسی سخن نگفته‌اند؛ نه از چیستی و نه از امکان و نه از فرآیند شکل گیری چنین ادراکاتی برای آدمیان. با این وجود، برخی از آیات قرآن، با صراحة از وقایع و پدیده‌هایی سخن گفته‌اند که قابل انطباق بر پاره‌ای از انواع ادراکات فراحسی است.

افرون بر این، دقت در فرآیند نزول و دریافت وحی، این نتیجه‌ی روشن را در پی دارد که پدیده‌ی وحی، خود یکی از آشکال کامل و صادق ادراک فراحسی است که از آغاز حیات بشر بر زمین تا عصر ختم نبوت، استمرار داشته و آدمیان، همواره از آن بهره مند بوده‌اند.

قرآن کریم که خود نیز یک مجموعه‌ی وحیانی است، کاملترین و صادق‌ترین نمونه‌ای است که در چنین فرآیندی بر آخرین پیامبر الهی، نازل و تا پایان عمر دنیا هدایت بخش آدمیان، برای نیل به قله‌های سعادت است.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۸۲)، *الاشارات و التنبيهات*، ترجمه‌ی حسن ملکشاهی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش
۳. اتکینسون، ریتال و دیگران، (۱۳۸۸)، *متن کامل زمینه روان‌شناسی هیلکارد*، ترجمه محمدتقی . براهنی و دیگران، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات رشد
۴. آینزک، هانس یورگن و دیگران، (۱۳۷۶)، *روح و دانش جدید*، ترجمه محمدرضا غفاری، چاپ سوم، . تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۵. باربور، ایان، علم و دین، (۱۳۷۴)، *ترجمه بہاء الدین خرمشاهی*، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
۶. پاپکین، ریچارد و آروم استرول، (۱۳۷۹)، *کلیات فلسفه*، ترجمه جلال الدین مجتبوی، چاپ شانزدهم، . تهران، انتشارات حکمت
۷. خرمشاهی، بہاء الدین، (۱۳۷۶)، *سیری سلوک*، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناهید
۸. داناسرثت، اکبر، (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی شفا*، تهران، انتشارات المعی
۹. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۶)، *صدرالمتألهین، الشواهد الربویه*، تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه بوستان کتاب
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۴) ق، *المیزان*، چاپ چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۱. عثمان نجاتی، محمد، (۱۳۸۶)، *قرآن و روانشناسی*، ترجمه عباس عرب، چاپ هفتم، مشهد، بنیاد . پژوهش‌های اسلامی
۱۲. غزالی، ابوحامد محمد، (۱۳۱۹)، *کیمیای سعادت*، به کوشش احمد آرام، تهران، چاپخانه مرکزی
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ه. ق/ ۱۹۹۹)، *التفسیر الكبير*، بیروت، داراحیاء التراث العربي
۱۴. فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، *سیر حکمت در اروپا*، با تصحیح و تحشیه امیر جلا لالدین علم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات نیلوفر

۱۵. کستر، آرتور، (۱۳۶۳)، مبانی سرنوشت، ترجمه عبد الله انتظام، تهران، نشر وحدت
۱۶. مطهری، مرتضی، (بی‌تا)، پاورقی های اصول فلسفه و روش رئالیسم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. مولر، ف.ل .. (۱۳۶۷)، تاریخ روان شناسی، ج ۱ و ۲، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر . دانشگاهی
۱۸. نصری، عبدالله، (۱۳۷۹)، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه . معاصر
۱۹. هیک، جان، (۱۳۷۲)، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، تهران، انتشارات بین المللی الهدی
- ۲۰ - واتسن، لیال، (۱۳۸۱)، فوق طبیعت، ترجمه شهریار بحرانی و احمد اژم، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- 21- Amram, joseph, Intelligence Beyond IQ: the contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership, Institution of Transpersonal Psychology , 2005.
- 22- Bruce, Litchfield, Spiritual Intelligence Illini Christian faculty staff, 1999.
- consideration of traditional Christianity and new Agle individualistic
- 23- Nasel, D.D, Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and new Agle individualistic spirituality, Unpublished thesis, Australia: the university of south Australia, 2004.
- 24- Santos, E.Severo, Spiritual Intelligence; what is spiritual intelligence., 2006.
- 25- Vaughan, F, What Is Spiritual Intelligence, Journal of humanistic psychology.vol42.(2), 2003.
- 26- Wiggles worth, C, Spiritual Intelligence and Why Is It Matters , 2004.
- 27- Zohar.D & marshall, SQ – spiritual intelligence, the ultimate intelligence, London, Bloomberg, 2000.

